



محترمه نجلا تیموری
عضو هیئت اجراییه
انجمن سرسری حقوقدانان
افغانستان

زندگی - یک مبارزه برابریست بهتر.

از مدت‌ها آرزو داشتم تا ناگفته‌هایم را برشته تحریر درآورم، ولی مشکلات مهاجرت، مسافرت، ارتباطات با هم‌مسلمانان، تفکر در مورد آینده جوانان بالاخص زنان و دختران وطن، تشویش به‌ترزیستن، این فرصت را از من می‌ربود، شور بختانه بیکاری‌های اخیر با سلسله تحولات و تغییرات منفی در کشور علیه مردم، خشونت علیه روشنایی، خشونت علیه زنان مظلوم، وضع محدودیت‌ها، ایجاد سد و موانع برای پیشرفت زنان از جانب دیگر انجام تظاهرات غرض احقاق حق، گرفتن قربانی‌ها از زنان شجاع، آزادیخواه و نترس افغان زنهای بادانش ما که طی سالها زحمت با صرف عمر کسب علم و تجربه نموده بودند و از طریق حلال و مجاز سرنوشت خویشرا بدست گرفته بودند ثمره تحصیلات خویشرا انتظار داشتن و حال این انتظارات شان در تیره‌گی روزگار همسان با خاک سیاه گردید و تحت زمین فرو رفت،،،، یک بهانه بدستم داد آن هم یک دلیل قاطع تا قلم بردارم و از حال و احوال هموطنم، از گذشته از خاطراتی در ذهنم تازه نمایم از تجارب کارهای مسلکی در امور عدلی و قضایی دوستان دانشگاه و حتی دوران کودکی آهسته آهسته و بصورت پراکنده با دوستان و عزیزانم شریک سازم.

آری چهل و پنج سال قبل، از سپیده دم تحولات هفت ثور سال ۱۳۵۷ زمانیکه کودکی بیش نبودم و معنی تحول، انقلاب و یا هم کودتا برایم بی مفهوم بودند، زمانیکه ورق تازه‌یی در تاریخ وطن عزیزما باز شده همه راه حل‌های سیاسی با کودتاها، جنگ‌ها حواله راکت‌ها بر سر مردم ریختن خون جوانها، زورگویی‌های تنظیمی، جهادی آغاز شده و بالاخره رسید زمان قدرت سیاه‌گونه طالب، که ختم قهقرا نا پیداست.... از همان نخستین روزهای تحولات، (کودتا و یا انقلاب که هر چه شما مینامید) هفت ثور که منجر به کشته شدن اولین رئیس جمهور افغانستان سردار داودخان با خانواده اش شد، اکثر مردم توکل و توسل به صلح آوردند که متأسفانه نه تنها صلح نیامد، بلکه خواه ناخواه همه آرمان‌ها، آرزوها، داشته‌ها و استعدادهای وطن ما را با خود برد....

بیش از چهاردهه از انزمان میگذرد ، جهان چهره وسیمای تازهء گرفت ، شکل وشمایل جغرافیایی در جهان عوض شد راه و رسم فرهنگ ها تغییر خورد و جهان دچار با بحران های عظیم اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی شد.

دورانیکه مادران زندگی میکنند دنیایی متضاد وپراز شگفتن ها که ازیکسو انسانها و دستاوردهای خارقالعاده در زمینه علم و تکنالوژی دارند ، از جانب دیگر علائم ونشانه های نا امید کنندهء از جنگ، فقر، بیچاره گی ، بیکاری،بی پناهی ، مهاجرت وغیره مشهود است که افغانستان یکی از مثال های بارز آن است.

افغانستان وطن عزیزما ، که امروز تحت سلطه لشکر نیابتی پاکستان بنام طالبان است و مانع بزرگی برای رشد علمی ، اقتصادی ، آموزشی ،هنری وغیره شده و نمیخواهد تامردم ما به حرکت زمانه گردن نهند وگام هایشان را باگام های سیر زمانه همراه سازند، آنچه را که من سیر زمان خواندم "سیروجدان" جوانان به ویژه زنان قهرمان مااست که در دو دهه پسین اندک اندک بیدار شدند که دیگر با هیچ افسون و افسانه های دروغین ملا آخوند وطالب نمیتواند به خواب شان برد.

امروز آنچه مورد ادعای جوانان بخصوص زنان بیدار وطن مااست نه ایدئولوژی ایزمی--ایستی ونه آن آزادی که گاه وبیگاه به اتهام کفر والهاد برایشان بسته می شود، بلکه یگانه وتنها چیزیکه مردم ما خواهان آن هستند که بدان دسترسی ندارند حق نان ، کار وآزادی است.

صدافسوس که در عصر کنونی خواهران ما برای بدست آوردن عادی ترین حق انسانی خود با قبول قربانی ها مبارزه می کنند، برایم انگیزه داد تا در پهلوی آنها بایستم و از حق آنها حمایت و دفاع نمایم.

بلی مردم ما برای بدست آوردن نان کار وحق تحصیل ،بدست آوردن آزادی مبارزه می کنند ولی این همان چیز است که امارت طالبی از قبول آن ابا می ورزد ودقیق همین مسله سرچشمهء همه آشفتگی ها ، بی قراری ها، بی پناهی ها و مهاجرت هابوده و حتی جغرافیای سیاسی وطن را پر مخاطره ساخته است.

طالبان که از روی ساده لوحی سیاست ویا شاید بگویم عدم آشنایی شان با سیاست ، عدم تفکر سالم واندیشه عالمانه، دم غنیمت را درپیش گرفته وهیچ برنامه ی دوراندیشانه انسانی برای آینده ندارند .دیر یا زود شکست های سیاسی را متقبل خواهند شد که نتیجه آن رستاخیز بی چون و چرای محرومان ، مظلومان وبی نوایان یا مستقیم بگویم زنان مبارز وطن ما خواهد بود.

به امید پیروزی محرومان و بینوایان وطن عزیزم ، نوشته فعلی خود را نکته میگذارم ، تا آینده نزدیک.....

نجلا تیموری